

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هشتاد و پنجم تاریخ: ۸۸/۱/۲۳
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و
المرسلين سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين
المعصومين سيما بقيته الله في الارضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

در بحث جهاد عرض کردیم که یکی از بحث ها اقسام جهاد است که جهاد به چند قسم صورت می گیرد. فقهای ما در کتب فقهی فقط سه قسم ذکر کردند؛ یکی برای دعوت به اسلام، کسانی که در موقع دعوت در بین راه سدی ایجاد می کنند و مانع دعوت می شوند جهاد با اینها یک نوع است. دوم جهاد به معنای دفاع، زمانی که دشمنان حمله می کنند و دفاع مسلمانان در برابر تهاجم آنها. سوم بغا، کسانی که در برابر امام معصوم علیه السلام قیام کنند و زیر بار حکومت امام معصوم علیه السلام یا قائم مقام امام معصوم علیه السلام نروند. ولی ما عرض کردیم که با تتبع در روایات و تاریخ و احادیث و آیات انواع جهاد خیلی بیش از اینها می شود.

یکی از آنها را که دیروز هم عرض کردیم، جهاد با مستکبرین برای نجات مستضعفین است. زیرا یکی از مصیبت های بزرگ بشری مسئله ی استکبار بوده یعنی کسانی که در برابر خدا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه: و مردم خود بزرگ بینی داشتند و خودشان را بزرگ تر از آن می دیدند که زیر بار حق و اسلام و دین بروند. گاهی در برابر خدا استکبار می کردند و می گفتند: [أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى] یا مثلاً فرعون که گفت: ای هامان برای من یک نردبانی درست کن تا به وسیله ی آن به بالا بروم تا از اله موسی اطلاعاتی به دست آورم و با او بجنگم. [قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ] گاهی استکبارشان در این حد در برابر خدا بود. گاهی در برابر پیغمبران بود. می گفتند [الْقَهْرُ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا] یا مثلاً [لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَي رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْشِيِّينَ عَظِيمٍ] این پیغمبر مال و ثروت ندارد. دستش خالی است. از این جهت با حقارت به او نگاه می کردند و او را قبول نمی کردند. گاهی هم نسبت به مردم [قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ] یهود و نصاری می گفتند: ما یک نژاد برتر هستیم. ما فرزندان و دوستان خدا هستیم. [قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ] این آیه در سوره ی جمعه خطاب به یهودی هاست که ای یهودی ها شما که می گوئید اولیاء الله هستیم [مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ]. خلاصه در ۴۸ جای قرآن خداوند از استکبار به عنوان یک بلای بزرگ بشری از آغاز

یاد کرده. آیات فراوانی در این قسمت وجود دارد. [أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ] این قبیل آیات قرآن. بنابراین یکی از مصیبت های بزرگ بشری وجود افراد زیاده خواه و سلطه طلب بود که مردم را به استضعاف می کشیدند؛ در فرهنگ و سیاست و اقتصاد مردم سلطه پیدا می کردند و استضعاف فکری و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی به وجود می آوردند. انبیاء هم برای نجات توده های مستضعف از زیر سلطه ی استکبار قیام هایی داشتند. حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام، پیغمبر ما که یکی از کارهایشان همین بوده. قرآن یک کتاب تاریخی نیست که بخوانند و کنار بگذارند. قرآن یک کتاب تلاوت نیست که بخوانند و روی طاقچه بگذارند. بلکه کتاب هدایت و درس است. کتاب ایجاد شور و حرکت است. پس قرآن که جریان حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام را نقل کرده، برای این بوده که ما درس بگیریم. یکی از درس های جهاد را مبارزه و قیام را از قیام پیغمبر خدا فرا بگیریم. پس بدون جهت نبوده که ما با توفیق پروردگار بحث جهاد را مطرح کرده ایم.

باید عرض کنم که بحث جهاد برای خود من خیلی آموزنده است. بنده جهاد را به این اندازه عمیق و وسیع فکر نمی کردم. این توفیق پروردگار است که ما جهاد را از این دید بحث کنیم و در معرض مطالعه قرار دهیم. خلاصه یکی از کارهای پیغمبران قیام برای نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین بوده است. این یک جهادی است. [وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوَالِدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلِيَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا] آیه ۷۵ سوره ی نساء، سوره ی چهارم قرآن کریم. این قسم اول از جهاد است به ترتیبی که ما به عرض می رسانیم. در سوره های قرآن این مطلب زیاد ذکر شده که یکی از کارهای پیغمبران این بوده. مثلاً در سوره صافات آیات ۱۱۴ و ۱۱۵، سوره ۳۷ قرآن [وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ] ما بر موسی و هارون منت گذاشتیم و آنها را و قومشان را از "کرب عظیم" در تفسیر المیزان کرب عظیم همان استضعاف بوده. نجات دادیم. کرب عظیمی که بنی اسرائیل آن زمان به آن گرفتار بودند و موسی و هارون با آن همه جهد و کوشش و مبارزه از آنها برطرف کردند، همین استضعاف بوده. در جای دیگر قرآن در سوره ی دخان سوره ی ۴۴ قرآن آیه ۱۸ [أَن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ] که حضرت موسی با فرعون صحبت می کند. برای نجات عباد الله برخاسته. به فرعون می گوید: [أَن أَدُّوا إِلَيَّ

تمدن های عظیمی به وجود آمد. بعداً برای اینکه مسلمان ها را تضعیف کنند مخالفین شروع کردند به اشاعه ی فحشاء، آنقدر فحشاء را گسترش دادند که تمام جوان ها را تختیر کردند و سرگرم کردند تا ضعیف شدند و توانستند بر مسلمان ها غالب شوند و مسلمان ها را بیرون کنند.

بنده خودم به عنوان نماینده ی امام وقتی که به اسپانیا رفتم سعی داشتم هر کجا که می روم آن آثاری را که باید ببینم، ببینم. در اسپانیا چند شهر بزرگ است به نام گرانادا. همان قرناتا را گرانادا می گویند. قُرْتَبَا را گُرْدِبا می گویند. از این قبیل عبارات. در یکی از شهرهای بزرگ آنجا همان گرانادا، پایتخت بوده، قرناته. یک موزه ای بود ما به آن موزه رفتیم و دیدیم در آن موزه مجسمه های فراوانی است که حمله ی مسلمان ها به اسپانیا را مثل حمله ی مغول که ما می گوئیم چقدر حمله ی سنگین و مخربی بوده معرفی کردند. آنقدر تبلیغات فراوان است که مسلمان ها آمدند و کشتند و سوزاندند و تخریب کردند که مردم نسبت به اسلام آن بغض و عداوت را همیشه در دل داشته باشند. یکی از نقشه های آنها اشاعه ی فحشاست. یکی دیگر از نقشه های آنها تضعیف و تحریف دین است. به مسلمان ها القاء کنند که این دین اسلام است که باعث عقب ماندگی شماست. شما اگر این دین را نداشتید چنین و چنان بودید. به این وسیله سعی می کنند دین را در نظر متدینین تضعیف و تحریف کنند. عقب ماندگی شما به واسطه دین است. دین اسلام نسبت به زن ها نظر منفی دارد تا زنها را بدبین کنند. دین اسلام طرفدار اغنیاست تا فقرا را به دین اسلام بدبین کنند. بالاخره دین افیون ملت هاست. از این قبیل تعبیرات تا مردم این دین را که جهاد دارد و خیزش و حرکت و شور دارد نسبت به این بدبین شوند تا مبادا با تکیه به دین در برابر آنها قیام کنند. و همین طور کوبیدن علماء چون علماء منادیان دین هستند. سعی می کنند که علمای بزرگ را بکوبند که مردم نسبت به آنها آن نظر و ارادتی را که دارند نداشته باشند. دیگر دوگانه برخورد کردن با مسائل است. مستکبرین همیشه منافقند. یعنی همیشه یک جانبه گرای می دارند، برخورد دوگانه دارند. اینها نقشه هایی است که قرآن کریم برای مستکبرین ذکر کرده. خلاصه این استکبار و استضعاف یک مسئله بسیار مهمی است و یکی از اقسام جهاد قیام است در برابر مستکبرین برای نجات مستضعفین. [وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا].

امام (رضوان الله علیه) ابعاد مختلفی دارند. در اینجا ما به عنوان یک فقیه به ایشان می نگریم نه به عنوان یک سیاستمدار و پایه گذار

عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ] و آیه ۳۵ و ۳۱ [وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ] ما بنی اسرائیل را از عذاب مهین، در قبل استضعاف را کرب عظیم گفته بود ولی در اینجا می گوید از عذاب مهین نجات دادیم.

بنابراین یکی از فلسفه و حکمت و هدف قیام انبیاء نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین است. مستکبرین که الان هم وجود دارند و انقلاب اسلامی ایران یکی از اهداف عالی اش همین موضوع نجات مستضعفین بوده که عرض می کنیم. اینها در کار خودشان برنامه هایی دارند. یکی از برنامه های آنها که از قرآن کریم استفاده می شود همین خود بزرگ بینی است. خودشان را از آن حد بشری بزرگتر می دانند. در نتیجه میان ملت های دیگر که تحت استضعاف آنها هستند خود کم بینی به وجود می آورند. انسان دارای کرامت و مقام بلند است. ولی به نظر آنها انسان ها دو درجه اند؛ درجه اول و دوم. مستضعفین را انسان های درجه ۲ حساب می کنند. آنقدر هم با فرهنگ خاصی تبلیغات می کنند که اینها خیال می کنند که بله همین طور است. ما آن قدرت و فکر آنها را نداریم. و کم کم دچار خود کم بینی می شوند و به ذلت و استکبار و استضعاف تن می دهند. آن استعدادهایشان کم کم سرکوب می شود و خودشان را کمتر از آن می بینند که بتوانند در برابر آنها کاری انجام دهند. حتی برای خودشان هم نمی توانند کاری انجام دهند. فکر می کنند که علم و ثروت و امکانات همه مال آنهاست. ما باید کارهای کوچکتر را اگر بتوانیم انجام دهیم. این ایجاد حقارت و خود کم بینی و خودباختگی در برابر مستکبرین است. فکر می کنند در سیاست و فرهنگ و اقتصاد باید به آنها پناه ببرند. آنها باید کارشناس بفرستند. کارهای مهم را انجام دهند و ما هم زیر سیطره ی آنها مشغول به کار باشیم.

یکی از برنامه های آنها اشاعه ی فحشاست. در میان ملت های مستضعف فحشاء را گسترش می دهند تا ملت های مستضعف به آن فحشاء سرگرم باشند. فکرشان تختیر و ضعیف شود و به فکر آن نیفتند که در برابر مستکبرین قیامی انجام دهند. اشاعه ی فحشاء یکی از نقشه های آنهاست که از زمان تاریخ اندلس (اسپانیای امروز) معلوم می شود. در تاریخ اندلس مسلمانان توانستند اسپانیا را که در قلب کشورهای اروپایی بود فتح کنند و چندین قرن در آنجا حکومت مهمی داشتند. در لغت نامه ی دهخدا نوشته که "طارق بن زیاد" همدانی بوده. اگر کسی بخواهد به طارق افتخار کند آن طارقی که پیشتاز بود و از جبل الطارق عبور کرد و وارد اروپا شد و اسپانیا را فتح کرد همدانی بوده. بالاخره اسپانیا فتح شد. و چندین قرن زیر دست حکومت های اسلامی بود و

را شکست داد. سایر اقشار ملت ها به این رمز اسلامی و ایمان اقتدا می کنند و در تمام اقشار عالم مسلمین به پا خیزند و بلکه مستضعفین به پا خیزند. وعده ی الهی که مستضعفین را شامل است و می فرماید: ما منت بر مستضعفین می گذاریم و آنها را امام می کنیم. این را بشنوید [و تُرِيدُ أَنْ تُنْمَنَ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ] آیه ۵ سوره ی قصص سوره ی ۲۸ قرآن کریم. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است. مستکبرین غاصبند و باید از میدان خارج شوند. ما مستکبرین را از صحنه بیرون کردیم و به جای آن مستضعفین را برقرار کردیم.

خلاصه این قسم اول از جهاد بود که به عرض محترم رسید. اما قسم دوم قیام در برابر سلاطینِ ظالمین و جبارین. این قسم دوم است که با قسم اول فرق دارد. قسم اول قیام در برابر مستکبرین برای نجات مستضعفین بود. ولی این قیام در برابر سلاطین مستبد و استبدادگر است برای نجات ملت ها و مردم. در همین رابطه است قیام تحریم تنباکو، قیام مشروطه، کشته شدن شیخ فضل الله نوری، شهادت مدرس و امثال اینها. هیچ کدام از اینها با آن مبانی که فقهاء گفتند تطبیق نمی شود. ولی ما این طور که بحث می کنیم تمام این قیام ها، قیام ابوذر در برابر عثمان و امثال آن، قیام زید، قیام شهدای فخر همه ی اینها با این معیار دوم که عرض می کنیم تطبیق می شود که بعداً ان شاء الله به عرض می رسانیم.

انقلاب. ایشان در صحیفه ی نور و در کتاب دفتر تبیان در چندین جا از آیات قرآن و اخبار و تاریخ اسلام همین مسائل را استنباط می کند که کار و مبارزه و جهاد ما، جهاد مستضعفین در برابر مستکبرین است. ما برای نجات مستضعفین جهاد می کنیم. بنابراین یکی از اقسام جهاد از نظر امام (رضوان الله علیه) که در اینجا کاربرد داشت همان مبارزه و جهاد مستضعفین در برابر مستکبرین است. حالا نمونه هایی. در صحیفه ی نور، جلد ۲۱. صحیفه ی نور ۲۲ جلد است که جلد ۲۲ فهرست مطالب است و ۲۱ جلد دیگر مطالب است. این کتاب خیلی پر ارزش و راه گشا و تأثیر گذار است. در جلد ۲۱ صحیفه ی نور صفحه ۸۶ به بعد مطالب زیادی دارند. اول این را می گویند: ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند به خوبی دریافتند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست. یعنی اولین شرط مبارزه این است که انسان رفاه طلب نباشد. آنهایی که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. آنهایی که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهین بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان می پیوندند آب در هاون می کوبند. امروز جهان تشنه ی فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی روتق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه ی خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت در برابر تمام توپ ها و موشک های دشمن باز کرده است و همچون عاشقان شهادت برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است. جغرافیا و مرز نمی شناسد. ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاء الله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا و نجات مستضعفین جبران خواهند کرد.

در جای جای صحیفه ی نور این مطلب تکرار شده که بنده فقط شما را راهنمایی می کنم. جلد ۲۱ صحیفه ی نور از صفحه ی ۸۶ تا صفحه ی ۹۰ در همین موضوع است. بنابراین مطلب برای ما خیلی روشن شد. ولی کلمات ایشان به اندازه ای زیاد است که جلد ۴۰ دفتر تبیان که ۵۰ جلد است - اسمش استضعاف و استکبار است. از نشر آثار امام این را بخوانید. در دفتر تبیان جلد ۴۰ در صفحه ۱۲۷ می فرماید: ایران مبدأ و نقطه ی اول است و الگو برای همه ی ملت های مستضعف جهان است. ملت های ضعیف ببینند که ایران با دست خالی و قدرت ایمان و وحدت کلمه و تمسک به اسلام در مقابل قدرت های بزرگ ایستاد و آنها